تحلیلی بر حضور فناوری اطلاعات در حوزه علمیه قم

محمد سمیعی

حدود 20 سال پیش، یکی از دوستان قدیمی به من گفت در نظر دارد با استفاده از رایانه شخصی روی قرآن کریم کارهایی انجام دهد. در آن زمان انواع ابتدایی رایانه به ندرت در ایران پیدا می شد و به طور کلی این پدیده، در جهان نوظهور بود. من در آن روزگار مشغول تحصیل کفایة الاصول بودم و پس از سپری شدن چهار سال از دریافت دیپلم متوسطه، به خاطر اشتغال به دروس حوزوی، به دانشگاه نرفته بودم؛ ولی آن دوست قدیمی در کنار دروس حوزوی در دانشگاه در رشته الکترونیک تحصیل می کرد و به همین دلیل بود که چنین تصمیمی گرفته بود. یکی از برکات انقلاب اسلامی برای حوزه های علمیه، اشتغال به تحصیل بسیاری از طلاب هم زمان در حوزه و دانشگاه بود. آشنایی با دستاوردهای این دو طیفِ معرفتی، هم برای حوزه و هم برای دانشگاه افق های تازه ای را گشود. بسیاری اعتقاد دارند در دنیای امروز، نوآوری ها و خلاقیت ها، همواره محصول تقاطع رشته های مختلف دانش یا مطالعات بین رشته ای هستند. کمتر اتفاق می افتد کسی که در یک رشته متمحّض است، بتواند نوآوری خارق العاده ای تقدیم جامعه کند، ولی اگر در رشته ای دیگر نیر پیش زمینه ای داشته باشد، زمینه های نوآوریِ بسیاری برای او فراهم است.

من خود چند تجربه از نوع آوری در چهار راه رشته های مختلف دانش داشتم به عنوان مثال: وقتی در سال 1373 توانستم ثابت کنم که زمان اعلام شده برای اذان صبح از طرف مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، نادرست است و این استدلال به فتوای مقام معظم رهبری در این مورد انجامید، از آشنایی خود در سه رشته مختلف بهره گرفتم تا بتوانم محاسبات متخصصان را زیر سؤال ببرم. ریاضیات، مهارت در برنامه نویسی با کامپیوتر و بالاخره آگاهی از متون فقهی و حدیثی به من کمک کرد تا در این تقاطع، توفیقی به دست آورم.

از طرف دیگر یکی از دلایل موفقیت جریان های اسلامی در فضای دیجیتال، ریشه دار بودن مؤسسان آن در حوزه علمیه است. مؤسسان این جریان ها، خود حوزوی بوده اند و در عین حال با رایانه، برنامه نویسی با آن و منطق کار آن، آشنایی داشتند؛ از این روی کاملاً به بزنگاه ها و موارد نیاز و نحوه کاربری این فناوری احاطه داشتند و طبیعتا بهترین و عملی ترین راه ها را برمی گزیدند. در کنار این تجربه موفق، تجربه های ناموفقی نیز از سوی کسانی که فاقد یکی از این دو بُعد تخصصی بودند، سر می زد. برخی که با فقه آشنا بودند ولی با رایانه، بیگانه، از همان ابتدا اهداف دست نیافتنی را انتخاب کردند. آنها فکر می کردند رایانه را می توان برای اجتهاد، برنامه ریزی کرد. هنگامی که برخی از دستاوردهای نرم افزاری را می دیدند، گمان می کردند، دستگاهی که این قدر توان دارد، حتما می تواند اجتهاد هم بکند و با این هدفِ دور از دسترس، طرح های ناموفقی را در پیش گرفتند. البته نمی توان نفی کرد که رایانه، روزی هم در استنباط برخی از احکام، به مجتهدان کمک کند، ولی برای این کار، مقدمات بسیاری لازم است که هنوز فراهم نشده است. گروهی دیگر هم کسانی بودند که با رایانه آشنا بودند، ولی نیازهای موجود در پژوهش های اسلامی را نمی شناختند. برخی از این دوستان به چاپ فهرست الفبایی برخی از کتاب های حدیث براساس حروف متن حدیث دست زدند که میزان کارایی ناچیز آن، اصلاً قابل مقایسه با نرم افزارهای معجم الفاظ موجود در آن زمان نبود.

قصد من در اینجا نگاه تاریخی به موضوع نیست؛ گرچه اگر فرصت اجازه می داد آن نگاه هم بسیار جذاب و سودمند می افتاد.

در دو دهه گذشته در دو عرصه اطلاع رسانی و ارتباطات، بسته های نرم افزاری و سایت های بسیاری ارائه شده است. مقصود من از عرصه اطلاع رسانی، مدیریت اطلاعات علمی و پژوهشی علوم اسلامی است. نرم افزارهای لفظی و موضوعی حدیث و فقه و فلسفه، همین طور نرم افزار رجال در این گروه قرار می گیرند. البته تمام این گروه ها اطلاعات آماده یا دست اول را ارائه می دهند و به اصطلاح، مراجع و منابع آماده (Ready References) هستند؛ یعنی مراجعه کننده به آنها دنبال یک واقعیت دست اول است و یک آیه قرآن، یا آدرس یک حدیث، یا نام مشایخ یک راوی را جست وجو می کند. دسته دیگری از بانک های اطلاعاتیِ مرجع هستند که موضوع اطلاع رسانی آنها منابع تحقیقاتی دسته دوم است؛ مانند: بانک های کتاب شناسی و چکیده منابع علوم اسلامی. اما در هر حال، مخاطب هر دو دسته؛ پژوهشگران علوم اسلامی با سطح مطلوبی از تخصص هستند.

عرصه دوم، یعنی ارتباطات، از نرم افزار و اینترنت به عنوان یک رسانه بهره می گیرد. مخاطبان این عرصه می توانند از همه اقشار باشند و نیازی به آشنایی آنان با علوم اسلامی حتی در سطح ابتدایی نیست. اصلاً ممکن است یک سایت یا نرم افزار برای ایجاد ارتباط با غیر مسلمانان طراحی شده باشد، یا نرم افزاری برای بازی کودکان ایجاد شود که آموزه های اسلامی را به آنان بیاموزد.

مقصود من از این تفکیک، آن بود که نشان دهم ورود اندیشه اسلامی به فضای دیجیتال از عرصه اطلاع رسانی آغاز شد و در عرصه ارتباطات ادامه یافت. یعنی طلاب ابتدا با انگیزه برآوردن نیازهای پژوهشی، آغاز کردند و در ادامه به برآوردن نیازهای ترویجی گرویدند. این حرکت، دو عامل داشت: نخست عامل اقتصادی، که بسیاری از دست اندرکاران را واداشت به سمت طرح هایی بروند که خودکفایی را برای آنان به ارمغان آورد. این از آن رو بود که طرح های دسته اول بسیار تخصصی بودند و برای اجرا معمولاً نیاز به استفاده از یارانه ها و کمک های بسیار داشتند. دوم اینکه مخاطب طرح های دسته اول بسیار محدود بودند و این طرح ها نمی توانستند با فضای عمومی جامعه ارتباط برقرار کنند، ولی دسته دوم، مخاطب وسیعی داشتند و به خصوص، خانواده هایی که می خواستند هم از فناوری جدید بهره ببرند و هم از مضرات آن در امان باشند، از این نرم افزارها بسیار استقبال می کردند. طبیعی است که هر تولید کننده ای نیز مایل است محصولش بیشتر مورد استقبال قرار گیرد و در جامعه کاربرد محسوس تری داشته باشد.

البته هر دو گروه اطلاع رسانی و ارتباطات هنوز نتوانسته اند مشکلات خود را به صورت اساسی حل کنند و سیستم پایداری را برای خود به وجود آورند. مهم ترین مشکل دسته اول، لزوم اتکا به یارانه است. این نوع فعالیت ها در رشته های علمی دیگر غیر از علوم اسلامی، بسیار سودآورند و می توانند سبب خودکفایی شوند. مثلاً بانک های اطلاعاتی که پزشکی (مانند Medicus Index) یا شیمی مانند (Chemical Abstracts) خدمات مشابهی را ارائه می کنند، محصولات خود را به قیمت بالا در بازار به فروش می رسانند و چون استفاده کنندگان از خدمات آنان در اهداف اقتصادی فعالیت می کنند، برایشان مقرون به صرفه است که هزینه بالای حق اشتراک یا خرید این محصولات را بپردازند. اما مسئله، در علوم اسلامی هیچ گاه نمی تواند این گونه حل شود. کسی از علوم اسلامی استفاده اقتصادی نمی کند، بنابراین حاضر نیست یا حتی نمی تواند مطابق هزینه های انجام شده و حتی بدون سودی برای تولید کننده نرم افزار، این گونه نرم افزارها را با قیمت واقعی خریداری کند. بنابراین، این دسته از فعالیت های زیربنایی همواره متکی به یارانه می شود. البته ممکن است بگوییم دولت اسلامی موظف به تأمین یارانه و حمایت از این فعالیت هاست ولی یک آفت دیگر در بر دارد و آن اینکه کاری که با یارانه انجام می گیرد و نیاز به محک خوردن در بازار ندارد، یعنی مجبور نیست خود را با ذائقه مشتریان تطبیق دهد، معمولاً با بهره وری پایین ارائه می شود.

ما در کشور خود، در جای جای اقتصاد یارانه ای، این مسئله را تجربه کرده ایم. تنها راه حلی که اکنون به ذهن می رسد، این است که نحوه تخصیص یارانه عوض شود و به جای اینکه یارانه را مستقیما به تولید کننده پرداخت کنیم، آن را به مصرف کننده بدهیم و با ایجاد رقابت بین تولید کنندگان، آنان را به بالا بردن کیفیت محصول و تطبیق دادن آن با ذائقه بازار مجبور نماییم.

محصولات ارتباطی هم مشکلات خاص خود را داشته و دارند. از جمله به خاطر رعایت نشدن حقوق مالکیت فکریِ تولیدکنندگان نرم افزارها در کشور، هیچ امنیتی در این زمینه وجود ندارد. به رغم اینکه در سال 1379 قانونی در مجلس شورای اسلامی در این زمینه تصویب شد و آیین نامه اجرایی آن هم در سال 1382 به تصویب هیئت دولت رسید، اجرای این قانون هنوز معطل مانده است. افزون بر آن حتی اگر این قانون به اجرا برسد، به خاطر اینکه ما در مورد نرم افزارهای بین المللی تعهدی نداریم، قیمت نرم افزار به معنای عام خود، نزد مصرف کنندگان پایین آمده است؛ یعنی به طور متوسط، هر لوح فشرده حداکثر دو هزار تومان است! و این با استاندارد قیمت های موجود در کشورهای توسعه یافته بسیار متفاوت است. عرف، آن است که چند برابر قیمت یک رایانه برای خرید نرم افزارهایی که روی آن کار می کند، هزینه شود. این امر باعث شد خط تولید نوپای نرم افزار ما به شدت لطمه بخورد. بسیاری از تولید کنندگان، از خط خارج شدند و به کارهای پرسودی، مانند خرید و فروش قطعات رایانه روی آوردند و آنها هم که ماندند، مجبور شدند آثار خود را در سطح لوح های فشرده زیر ده هزار تومانی سامان دهند. البته منظور، تولید کنندگانی هستند که به یارانه های این بخش دسترسی نداشتند.

این افت کیفیت را می توان از حضور جهانی نرم افزارهای اسلامی به خوبی فهمید. در سال 1996 در نمایشگاه جیتکس امارات، نرم افزارهای اسلامی ارائه شده توسط ایران از حیث تنوع و تعداد شرکت کنندگان، قابل قیاس با دیگر کشورها نبود؛ ولی سال به سال این معادله معکوس شد و آن پیشگامی به عقب ماندگی تبدیل گردید.

تنها راه حل این مشکل، احترام جدی قانونی و شرعی به حقوق مالکیت فکری و همکاری نهادهای فقهی، فرهنگی و قضایی برای اجرای جدی قوانین موجود در این زمینه است. البته طبق توضیحی که داده شد، تنها وقتی این مسئله از بنیاد حل می شود که کشور به نظام های بین المللی حقوق مالکیت فکری بپیوندند و کالاهای فکری، که در قرن بیست ویکم اهمیت بسیار بالاتری از کالاهای فیزیکی یافته اند، مورد حمایت قرار بگیرند و در نتیجه رشد کنند. تنها از همین راه است که نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری که مقام معظم رهبری آن را مطرح کرده اند و جامعه دانایی محور، که شعار اصلی برنامه چهارم توسعه است، تحقق خواهد یافت.

به هر حال باهمه این مشکلات، نرم افزارهای علوم اسلامی در ایران یکی از برجسته ترین شاخه های تولید نرم افزار بوده و همواره در نمایشگاه های اطلاع رسانی و کامپیوتر، بخش مهمی را به خود اختصاص داده است. شاید دو علت سبب پایداری این رشته با همه نارسایی ها بوده است. نخست آنکه واقعا خلوص و معنویت تحسین برانگیزی در بسیاری از دست اندرکاران وجود داشته و با همین نیروی معنوی توانسته اند تا حد زیادی بر مشکلات غلبه کنند. دوم آنکه اطلاعات و پیش زمینه های این حوزه، مختص به کشور ما است و جز معدود نرم افزارهای شیعی تولید شده در لبنان که آن هم به زبان عربی است، هیچ متولی دیگری در دنیا برای این رشته وجود ندارد. این انحصار، جایگاه ویژه ای برای تولید این محصولات ایجاد کرده است.

ورود رایانه و نرم افزار به حوزه های علمیه، علاوه بر آنچه گفته شد، آثار جانبی بسیار و قابل مطالعه ای داشته است که بد نیست به بررسی آن آثار هم بپردازیم؛ زیرا شاید اهمیت برخی از آنها حتی بیش از بحث مورد نظر باشد.

نخست آنکه مؤسسات بسیاری در قم شروع به کار کرده اند که برای نخستین بار میان آنان تشکل بین مؤسسه ای نیز پدید آمده است این سنخ فعالیت در حوزه کاملاً جدید است. این، در حقیقت یک نوع فعالیت جمعی و سازمان یافته فرهنگی غیر دولتی است که نوید آینده ای روشن را برای فعالیت های فرهنگی می دهد.

دوم آنکه این مؤسسات توانستند پیوند مناسبی بین اقتصاد و محصولات فرهنگی دینی، برقرار کنند. یکی از چالش های مهم در حوزه تحقیقات و تبلیغات دینی، همواره تعریف رابطه اقتصاد با این فعالیت ها بوده است. از یک طرف، این فعالیت ها دینی هستند و نباید با اهداف اقتصادی دنبال شوند و از طرف دیگر بدون در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، هیچ کاری نمی توان از پیش برد. ممکن است یک کار خیر با حمایت اولیه راه اندازی شود، ولی بقای آن - که اتفاقا تنها سرّ موفقیت این فعالیت ها در بقای آنها به همراه انباشت و به کارگیری تجربه هاست - تنها متکی به تعریف صحیح ابعاد اقتصادی است. این مؤسسات از معدود مواردی هستند که در عمل توانسته اند تجربه های موفقی در تعریف ابعاد اقتصادی در کنار ابعاد دینی و فرهنگی داشته باشند. اکنون هزاران نفر از کارمندان، همکاران و پژوهشگران در این مؤسسات به صورت تمام وقت یا پاره وقت، مشغول به کارند و این، دستاورد بسیار مهم و قابل مطالعه ای است.

سوم آنکه پیشگامی حوزه در ورود به فضای دیجیتال، موجب شد ورود این فناوری نو، با کمترین تنش در سطح جامعه رو به رو شود. در تاریخ معاصر معمولاً هر گونه فناوری وارداتی به صورت طبیعی با مقاومت های سنتی مواجه بوده است. برخی از این مقاومت ها به دلیل بدبینی تاریخی ما به صاحبان فناوری جدید، یعنی غربی ها است و برخی دیگر هم به خاطر آن است که این فناوری ها در بستر جامعه ما به صورت طبیعی رشد نکرده اند و ورود آنان بدون زمینه سازی، نخبگان به ویژه آنان را که با تجربه غرب در این زمینه آشنا نبوده اند، به هراس می انداخت. قضایای تاریخی بسیاری در این زمینه ها نقل می شود که از آسفالت و بلندگو گرفته تا ویدئو و ماهواره را شامل می شود. البته معمولاً پس از طی دورانی کوتاه و هضم آن پدیده توسط جامعه، مشکل برطرف می شود و همه چیز به حالت عادی باز می گردد. حقوق استفاده از آن فناوری جدید، تعریف می شود و آن پدیده نو جایگاه خود را در نظام اجتماعی پیدا می کند. این پروسه کاملاً طبیعی است و کم و بیش همه کشورها به خصوص در جهان سوم، به نحوی با آن درگیر هستند. آنچه مهم و بسیار قابل تأمل است، آن است که این قبیل مقاومت ها در مقابل رایانه، نرم افزار و اینترنت، بسیار کمتر از موارد مشابه بود. شاید یکی از علل عمده آن پیشگامی حوزه علمیه قم در این زمینه بود. قم هم در زمینه سخت افزار و نرم افزار و هم در زمینه ارتباط با اینترنت، بدون شک جزو استان های پیشگام بوده است.

چهارمین تأثیر کار در فضای دیجیتال و به خصوص اینترنت، در حوزه علمیه قم، گسترش ارتباطات بین المللی حوزه است. تولید کنندگان این نرم افزارها، مشتریان بسیاری، از ساکنان خارج از کشور داشتند، همان گونه که مدیران سایت های اسلامی با مسائل دینی و فرهنگی مسلمانان مقیم در خارج از ایران آشنا شدند. تولید کنندگان نرم افزاها در بسیاری از نمایشگاه های عربی و حتی اروپایی برای عرضه محصولات خود شرکت کردند و کاربران اینترنتیِ حوزه هم توانستند بر شاهراه این رسانه با محصولات و ذائقه های فرهنگی سراسر دنیا آشنا شوند. همچنین علمای حوزه با نیازهای روز فقهی و اعتقادی مسلمانان سراسر جهان از نزدیک آشنا شدند. البته در زمینه گسترش ارتباطات بین المللی حوزه، نقش برخی از علما و فضلای عراقی ساکن قم را نیز نباید نادیده گرفت. آنان که به برکت آشنایی و تسلط به زبان و ترویج فرهنگ عربی، ارتباطات و مراودات بین المللی بیشتری داشتند، در سرعت و بین المللی کردن فکر حوزوی مؤثر بودند. البته زبان انگلیسی که کلید ارتباطات وسیع بین المللی است، هنوز در حوزه، مورد توجه جدی قرار نگرفته است و اگر آموزش این زبان جزو برنامه کار حوزه قرار بگیرد، در تقویت جنبه های تبلیغی و تحقیقی، تأثیر بسزایی خواهد داشت.

پنجمین تأثیر فعالیت در فضای دیجیتال در حوزه، تحول نظام پژوهشی حوزه است. اگر به کتاب ها و محصولات پژوهشی حوزه قبل از دهه هفتاد نگاهی بیندازیم، می بینیم که بسیاری از آنها رنگ و بوی تتبع و گردآوری دارد. ولی با به عرصه آمدن توان نرم افزارهای رایانه ای، تحولی در این حوزه رخ داده است. دیگر تصحیح یک نسخه خطی و یافتن مآخذ روایات موجود در آن، یک شاهکار نیست، بلکه کاری است که با آشنایی به اصول کار و استفاده از نرم افزارهای موجود، با سرعت و دقت بسیار زیادی قابل انجام است. چنانچه تتبعات رجالی در اسناد احادیث که سال ها وقت گران بهای علما را می گرفت، اکنون با ابزار جدید به سرعت و سهولت و در مواردی حتی با دقت بیشتر انجام شدنی است. به نظر می رسد اکنون روال پژوهشی حوزه بیشتر به سمت نشریات تخصصی، تألیف مقالات به سبک جدید و تدوین دائرة المعارف های اسلامی پیش می رود.